

خودکشی نافرجام زنی که شوهرش را آتش زد!



به‌لولار صبارفتم‌وسه‌بطری ۱/۵ لیتری بنزین از جایگاه سوخت خریدم‌و آن‌ها اردون کمدمنزل مخفی کردم. شب‌هنگام‌نیز که‌همسرم بیرون از خانه‌بود با‌و تماس‌گرفتم‌و خواستم‌تعدادی قرص‌خواب‌آور از داروخانه‌برایم‌تهیه‌کند. حدود ساعت۲۳ بود‌که‌قبل‌از خواب‌از همسرم‌خواستم‌و انیز از این‌قرص‌های خواب‌آور استفاده‌کندتا راحت‌بخوابد‌اولی‌خودم‌قرص‌را‌نخوردم‌تا‌بتوانم‌نقشه‌ام‌را‌اجرا‌کنم. از سوی‌دیگر هم‌کمی‌لای پنجره‌اتاق‌را‌باز گذاشتم‌تا‌همسرم‌مجبور‌شود پتورا به‌طور کامل‌روی‌خودش‌بکشد! نقشه‌ام‌به‌درستی‌پیش‌رفت‌ودریک‌لحظه‌همسرم‌پتورا روی‌سرش‌انداخت‌وبه‌خواب‌رفت. حدودساعت ۲‌بامدادبود‌که‌چشمانم‌را‌باز کردم‌ومتوجه‌شدم «مجد» در خواب‌عمیقی‌است. تعدادی‌از‌قرص‌ها‌اردون‌آب‌حل‌کردم‌و کنار گذاشتم. سپس‌باسوزن‌پتورا‌به‌تخته‌دوختم‌تا‌اون‌تواند‌به‌راحتی‌از زیر‌شعله‌های‌آتش‌فرار‌کند‌اولی‌هنوز‌مشغول‌دوختن‌پتو‌بودم‌که‌ناگهان «مجد» بیدار‌شد. من‌هم‌بی‌درنگ‌بطری‌های‌بنزین‌را‌ریختم‌و‌با‌فندک‌او‌آتش‌زدم‌!هم‌سراسیمه‌آب‌کاسه‌قرص‌های‌آلوده‌را‌سر‌کشیدم‌و‌از‌طبقه‌چهارم‌ساختمان‌به‌پایین‌دویدم‌تا‌همسایگان‌فرزندانم‌را‌از‌میان‌شعله‌های‌آتش‌نجات‌دهند!

به‌گزارش‌اختصاصی‌روز‌نامه‌خراسان، در پی‌اعترافات‌وحشتناک‌این‌زن‌جوان، قاضی «محمود‌عارفی‌راد» دستور‌بازداشت‌وی‌را‌صادر کرد‌تا‌بعد‌از‌بهبودی‌کامل‌به‌بازداشتگاه‌پلیس‌منتقل‌شود. از طرف‌دیگر و‌با‌صدور‌دستورات‌ویژه‌ای‌از‌سوی‌مقام‌قضایی، گروه‌عملیاتی‌کارآگاهان‌به‌منزل‌محل‌وقوع‌حادثه‌رفتند‌و‌با‌اثر‌برداری‌از‌صحنه‌به‌جمع‌آوری‌مستندات‌قضایی‌وپلیسی‌پرداختند. این‌گزارش‌حاکمی‌است، بررسی‌های‌بیشتر‌در‌باره‌ابعاد‌دیگر‌این‌ماجرای‌تلخ‌و‌ادعاهای‌متهم‌پرونده، همچنان‌ادامه‌دارد.

۲۱۱‌دادسرای‌عمومی‌و‌انقلاب‌مشهد‌تکرار‌کرد،مقام‌قضایی‌به‌سراغ «مریم» رفت‌که‌دیگر‌حال‌وی‌رو‌به‌بهبودی‌بود. او‌در‌حضور‌کارآگاهان‌به‌قاضی «عارفی‌راد» گفت:از‌حدود‌دوماه‌قبل‌زمانی‌که‌به‌سفر‌رفته‌بودیم‌به‌همسرم‌مشکوک‌شدم‌که‌با‌زن‌غریبه‌ای‌ارتباط‌دارد‌چرا‌که‌او‌مدام‌با‌گوشی‌تلفن‌سر‌گرم‌بود‌و‌آن‌را‌از‌خودش‌دور‌نمی‌کرد. از‌آن‌روز‌به‌بعد‌افکار «خیانت» در‌وجودم‌ریشه‌دو‌اند‌و‌من‌همواره‌در‌جست‌و‌جوی‌آن‌زن‌غریبه‌بودم. بالاخره‌وقتی‌موضوع‌را‌با‌همسرم‌در‌میان‌گذاشتم‌و‌به‌او‌اعتراض‌کردم‌او‌منکر‌همه‌چیز‌شد‌و‌مدعی‌بود‌که‌من‌اشتباه‌می‌کنم! این‌موضوع‌به‌جایی‌رسید‌که‌در‌نهایت‌«مجد» ادعا‌کرد‌ب‌آن‌زن‌غریبه‌ارتباط‌کاری‌دارد‌چرا‌که‌همسرم‌بعد‌از‌کار‌اداری‌در‌زمینه‌خرید‌وفروش‌کشمش‌نیز‌فعالیت‌داشت‌ولی‌من‌با‌ور‌نمی‌کردم. به‌همین‌دلیل‌او‌ادر‌تنگ‌ناچار‌دادم‌که‌شماره‌تلفن‌آن‌زن‌را‌به‌من‌بدهد‌تا‌خودم‌با‌و‌گفت‌و‌گو‌کنم‌ولی‌او‌بهم‌از‌این‌کار‌سر‌باز‌می‌زد‌تا‌این‌که‌دیگر‌کار‌دبه‌استخوانم‌رسید‌وتصمیم‌گرفتم‌او‌را‌به‌همراه‌خودم‌نابود‌کنم‌چون‌همسر‌ما‌خیلی‌دوست‌داشتیم! این‌تصمیم‌زمانی‌قطعی‌شد‌که‌شب‌قبل‌از‌وقوع‌حادثه، عکس‌های‌آن‌زن‌را‌در‌گوشی‌تلفن‌همسرم‌دیدم‌و‌بر‌سر‌همین‌ماجرای‌هم‌در‌گیر‌شدیم‌که‌او‌هم‌ما‌را‌کتک‌زد. این‌زن‌جوان‌مدعی‌شد: من‌که‌با‌ور‌نمی‌کردم «مجد» بعد‌از ۱۳ سال‌زندگی‌مشترک‌این‌گونه‌پاسخ‌محبت‌های‌ما‌را‌بدهد! نقشه‌مرگ‌او‌و‌خودم‌را‌طراحی‌کردم. صبح‌روز‌بعد‌زمانی‌که‌همسرم‌به‌محل‌کارش‌رفت‌من‌هم‌با‌یک‌تا‌کسی‌اینترنتی‌



متهم هنگام تشریح صحنه حادثه هولناک در حضور قاضی عارفی راد

بر‌اساس‌گزارش‌روز‌نامه‌خراسان، در‌پی‌اظهارات‌مصدوم ۴۰ ساله‌که‌با‌واقعیت‌های‌صحنه‌حادثه‌مطابقت‌نداشت‌به‌طوری‌که‌گویی «مجد» حقیقت‌هایی‌را‌از‌این‌حادثه‌وحشتناک‌پنهان‌می‌کرد، کارآگاهان‌مراتب‌را‌به‌قاضی‌ویژه‌قتل‌عمد‌گزارش‌دادند. باتوجه‌به‌اهمیت‌ماجرای‌قاضی «محمود‌عارفی‌راد» برای‌تحقیق‌میدانی‌و‌ثبت‌اظهارات‌مصدومان، خود‌نیز‌عازم‌بیمارستان‌شد‌و‌بدین‌ترتیب‌بررسی‌های‌قضایی‌در‌قاب‌جنایی‌قرار‌گرفت. پس‌از‌آن‌که‌«مجد» سخنان‌خود‌را‌در‌حضور‌قاضی‌شعبه‌

مرد ۴۰ ساله، او‌را‌در‌حالی‌به‌صورت‌اورژانسی‌به‌اتاق‌مراقبت‌های‌ویژه‌بردند‌که‌پزشکان‌اعلام‌کردند‌وی‌دچار ۹۰ درصدسوختگی‌شدیده‌شده‌است.از‌سوی‌دیگر‌نیز‌همسر ۳۵ساله‌وی‌با‌شست‌و‌شوی‌معهده، از‌مرگ‌نجات‌یافت‌و‌روند‌بهبودی‌او‌آغاز‌شد. گزارش‌روز‌نامه‌خراسان‌حاکمی‌است، صبح‌روز‌گذشته‌با‌گزارش‌این‌ماجرای‌تکان‌دهنده‌به‌نیروهای‌انتظامی، بلافاصله‌گروهی‌از‌افسران‌زیده‌داره‌جنایی‌پلیس‌آگاهی‌خراسان‌رضوی‌با‌تدبیر‌سرهنگ‌مهدی‌سلطانیان (رئیس‌اداره‌جنایی) عازم‌بیمارستان‌شدند‌و‌با‌تحقیق‌از‌مصدومان، اظهارات‌آن‌ها‌را‌مستندسازی‌کردند‌چرا‌که‌باتوجه‌به‌شرایط‌خاص‌و‌احتمال‌بروز‌حادثه‌ای‌تاسف‌بار، امکان‌داشت‌برخی‌از‌وقایع‌تلخ‌و‌انگیزه‌این‌ماجرای‌تکان‌دهنده‌در‌پس‌پرده‌باقی‌بماند. به‌همین‌دلیل‌بازجویی‌ها‌از‌مصدوم‌با‌همانگی‌های‌قضایی‌وزیر‌نظر‌سروان‌اسماعیل‌عظمی‌مقدم (افسر‌جنایی‌آگاهی) آغاز‌شد. «مجد» (مرد ۴۰ ساله)

که‌هنوز‌با‌ور‌نمی‌کرد‌در‌متن‌یک‌سناریوی‌وحشتناک‌قرار‌گرفته‌است، به‌کارآگاهان‌گفت: بعد‌از‌به‌دنیا‌آمدن‌دومین‌فرزندم، همسرم‌دچار‌نوعی‌افسردگی‌ناشی‌از‌ایمان‌شد‌و‌زیر‌نظر‌روان‌شناس‌در‌حال‌مدا‌وا‌بود‌اما‌نفهمیدم‌این‌حادثه‌چگونه‌رخ‌داد. آن‌شب‌من‌در‌خواب‌بودم‌که‌یک‌لحظه‌متوجه‌سرو‌صدا‌شدم. وقتی‌چشمانم‌را‌گشودم‌همسر‌ما‌دیدم‌که‌قص‌داشت‌با‌بنزین‌خانه‌را‌به‌آتش‌بکشد. هراسان‌تلاش‌کردم‌تا‌او‌را‌از‌این‌اقدام‌هولناک‌باز‌دارم‌که‌خودم‌آتش‌گرفتم....

سیدخلیل‌سجاد‌پور – زن‌جوانی‌که‌شوهر ۴۰ ساله‌اش‌را‌در‌رختخواب‌به‌آتش‌کشید، سناریوی‌وحشتناک‌این‌ماجرای‌تکان‌دهنده‌را‌در‌حالی‌باز‌گو‌کرد‌که‌خود‌نیز‌با‌خوردن‌تعدادی‌قرص‌دست‌به‌خود‌کشی‌زده‌بود. به‌گزارش‌اختصاصی‌روز‌نامه‌خراسان، ساعت ۲‌بامداد‌نوزدهم‌شهریور‌بود‌که‌زن ۳۵ساله‌فریاد‌زنان‌از‌واحد‌طبقه‌چهارم‌آپارتمان‌بیرون‌آمد‌و‌در‌حالی‌که‌با‌سرو‌وضعی‌آشفته‌جیغ‌می‌کشید «مجید‌را‌سوز‌اندم!!»، بیچه‌هایم‌را‌نجات‌دهید! «پله‌های‌ساختمان‌را‌با‌سرعت‌پشت‌سر‌می‌گذاشت‌و‌در‌منزل‌همسایگان‌ش‌را‌می‌کوبید. او‌با‌صدای‌بلند‌فریادی‌ز‌دف‌ر‌زندانم‌در‌شعله‌های‌آتش‌گیر‌افتاده‌اند، به‌دانشان‌رسید.

با‌سرو‌صدا‌های‌ایجاد‌شده، اهالی‌مجمع‌مسکونی، خواب‌آلود‌از‌خانه‌هایشان‌بیرون‌آمدند‌و‌زن‌همسایه‌را‌دیدند‌که‌رنگ‌به‌چهره‌نداشت‌و‌دود‌غلیظی‌از‌منزل‌او‌خارج‌می‌شد. همسایگان‌سراسیمه‌از‌پله‌ها‌بالا‌رفتند‌و‌باشعله‌های‌سرکش‌آتشی‌رو‌به‌رو‌شدند‌که‌از‌پیکر‌شوهر‌زن‌جوان‌زبانه‌می‌کشید. تعدادی‌از‌ساکنان‌مجمع‌مسکونی‌دست‌و‌پای‌خود‌را‌گم‌کرده‌بودند‌و‌وحشت‌زده‌به‌این‌حادثه‌تلخ‌می‌نگریستند. بالاخره‌برخی‌از‌همسایگان‌دل‌به‌شعله‌های‌آتش‌زدند‌و‌دو‌پسر ۹‌و‌۴ساله‌را‌در‌حالی‌از‌اتاق‌بیرون‌آوردند‌که‌نیرو‌های‌امدادی‌نیز‌با‌سرعت‌زیاد‌خود‌را‌به‌خیابان‌کوشش ۵۶‌ساندند‌و‌به‌یاری‌مصدومان‌شتافتند. آن‌هاییکر‌سوخته‌مرد ۴۰ساله‌را‌که‌هنوز‌علامه‌حیاتی‌داشت‌به‌بخش‌سوختگی‌بیمارستان‌امام‌رضاع) مشهدانتقال‌دادند‌اما‌در‌همین‌حال‌مشخص‌شد‌که‌زن‌جوان‌هم‌با‌خوردن‌تعدادی‌قرص‌اقدام‌به‌خود‌کشی‌کرده‌است‌و‌حال‌وخیمی‌دارد. بنابر‌این «مریم» –نیزی‌بی‌درنگ‌به‌بخش‌مسمومان‌بیمارستان‌امام‌رضاع) منتقل‌شد‌و‌تحت‌درمان‌قرار‌گرفت. کادر‌در‌مان‌بیمارستان‌با‌مشاهده‌وضعیت‌وخیم‌

کشف ۱۰۳ تن انواع مواد مخدر در کرمان

توکل–امسال در استان کرمان

بیش از ۱۰۳ تن انواع موادمخدر کشف و ضبط شده که نسبت به سال گذشته ۱۰۱ درصد افزایش داشته است.

به گزارش خراسان، جانشین انتظامی

سرقت مسلحانه طلا و جواهرات در شوش

سارقان مسلح دستگیر شدند

کلاشینکف، دو تیغه خشاب به همراه ۳۷ فشنگ و یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ به کار رفته در سرقت کشف شد.
سردار صالحی با بیان این که متهمان در تحقیقات پلیس به پنج فقره سرقت مسلحانه اعتراف کردند، بیان کرد: هیچ نقطه امنی برای سارقان به‌عنف مسلح که با اقدامات مجرمانه خود باعث سلب آسایش و امنیت شهروندان می‌شوند، وجود ندارد و با قاطعیت با آن‌ها برخورد خواهد شد.

اهواز ابلاغ شد.

وی افزود: ماموران پلیس‌های تخصصی شهرستان شوش با تسلط اطلاعاتی و انجام اقدامات خاص پلیسی در کمتر از ۲۴ ساعت هویت اعضای باند سه نفره سارقان مسلح را شناسایی و طی هماهنگی با مرجع قضایی در عملیات‌های مقتدرانه و ضربتی آن‌ها را در مخفیگاه‌هاشان دستگیر کردند.
فرمانده انتظامی استان خوزستان تصریح کرد: در بازرسی از مخفیگاه متهمان یک قبضه سلاح

حادثه ۲۴ – فرمانده انتظامی استان خوزستان از انهدام باند سارقان مسلح طلا و جواهرات در کمتر از ۲۴ ساعت در عملیات مقتدرانه پلیس شوش خبر داد.

سردار سیدمحمد صالحی گفت: در پی وقوع یک فقره سرقت مسلحانه طلا و جواهرات از سرنشینان یک دستگاه خودروی عبوری در محور اهواز – شوش دستورات ویژه برای شناسایی و دستگیری عاملان سرقت به یگان‌های انتظامی شهرستان‌های شوش و

آخرین خبر از دادگاه قمار باز بزرگ

اعدام در انتظار مفسد فی الارض

۹۹ در کشور ترک‌یکه شناسایی، بازداشت و به کشور مسترد شد.

متهم، باراه اندازی سایت‌های قمار و شرط بندی و با به‌دست آوردن اموالی از این طریق، در صفحات مجازی سبک‌زندگی اشرافی و تجملاتی را تبلیغ و مخاطبان خود را برای به‌دست آوردن چنین امکاناتی به انجام قمار و شرط‌بندی، تشویق می‌کرد.

عمده سایت‌های قمار و شرط‌بندی که توسط شبکه‌ای که میلاد حاتم‌ی هم‌عضوی از آن بوده تبلیغ می‌شوند، در واقع الگوریتم‌های کلاهبرداری هستند و از افراد شرکت‌کننده در آن‌ها توسط روش‌های پیچیده، کلاهبرداری مالی می‌شود.

نماینده دادستان ادامه کیفرخواست متهمان را قرائت کرد.

پس از پایان قرائت کیفرخواست توسط نماینده دادستان، قاضی صلواتی اعلام کرد، از روز شنبه جلسات دادگاه ادامه خواهد یافت و متهمان وو کلا‌ی آن‌ها به‌دفاع از خود خواهند پرداخت.
میلاد حاتم‌ی فرزندمحمسن متهم به افساد فی الارض از طریق اشاعه فساد به صورت گسترده، اخلا‌ل در نظام پولی و ارزی کشور، پول‌شویی، دایر کردن مرکز قمار و تشویق به فساد است.

«میلاد حاتم‌ی» که از گردانندگان سایت‌های قمار و شرط‌بندی در خارج از کشور بود، پس از صدور اعلان قرمز اینترپل، در اسفند سال

دومین جلسه دادگاه متهم میلاد حاتم‌آبادی فرا‌هانی و ۱۹ نفر دیگر از متهمان پرونده به ریاست قاضی صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی بر گزار شد.

به گزارش ر‌کنا، صبح دیروز ۲۰ مهر ۱۴۰۱ دومین جلسه دادگاه متهم میلاد حاتم‌ی – حاتم‌آبادی فرا‌هانی معروف به «میلاد حاتم‌ی» و محمدرضا زاهدی از گردانندگان سایت‌های قمار و شرط‌بندی در خارج از کشور و ۱۹ نفر دیگر از متهمان پرونده به ریاست قاضی صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی با حضور مستشار دادگاه، و کلا‌ی متهمان و نماینده دادستان بر گزار شد. در این جلسه، بهروز حسنی اعتماد،

در امتداد تاریکی

فرجام از دواج پس از آشنایی در فضای مجازی!

چند ماه بعد از آشنایی در فضای مجازی پای سفره عقد نشستم اما خیلی زود اختلافات بین من و نامزدم آغاز شد و او مرا مقابل منزل پدرم زیر مشت و لگد گرفت تا جایی که...

به گزارش روزنامه خراسان، دختر ۱۶ ساله ای که به اتهام ایراد ضرب و جرح از نامزدش شکایت کرده بود، درباره سرگذشت خود به

مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: شش سال پیش تر نداشتم که اشک ریزان دست مادر مرا را‌ها کردم و به همراه پدرم به خانه باز گشتم چرا که آن‌ها از هم جدا شده بودند و مادرم سرپرستی مرا به پدرم واگذار کرده بود. چند ماه بعد از این ماجرا پدرم با زن دیگری از دواج کرد و من در حالی لباس فرم مدرسه را پوشیدم که نامادری ام مرا با مهر بانی راهی مدرسه کرد. اگر چه اوزن خوبی نبود و تلاش می‌کرد جای خالی مادرم را پر کند اما من کمبود محبت داشتم و چیزی جز مهر مادری را نمی‌پذیرفتم. حتی خواهر یا برادری نداشتم که با او درد دل کنم. با وجود این، روزگار من به همین ترتیب سپری می‌شد تا این که با شیوع کرونا مدارس مجازی شد و پدرم نیز به ناچار برای من گوشی تلفن هوشمند خرید تا از تحصیل عقب نمانم. از سوی دیگر من هم که تشنه محبت بودم، وارد شبکه‌های اجتماعی شدم و در گروه‌های مختلف پرسه می‌زدم تا این که بالاخره با «سپروس» آشنا شدم. او سه سال از من بزرگ تر بودو در مغازه پدرش کار می‌کرد.

این آشنایی و ارتباط تلفنی به دیدارهای خیابانی کشید اما پدرم به شدت رفت و آمدهای مرا زیر نظر داشت و من نمی‌توانستم بر سر بیشتر قرارهایی که با سپروس می‌گذاشتم حاضر شوم، چرا که ما در یکی از شهرک‌های حاشیه شرق مشهد سکونت داشتیم و خانواده سپروس در منطقه غرب مشهد زندگی می‌کردند، به همین دلیل نمی‌توانستم ساعات بیشتری را در خارج از منزل به سر ببرم. خلاصه سال گذشته و در حالی که دو ماه بیشتر از این آشنایی پنهانی نگذشته بود، سپروس به همراه خانواده اش به خواستگاری من آمد اما خانواده اش وقتی محل سکونت ما را دیدند با این ازدواج مخالفت کردند و مدعی بودند که دو خانواده از نظر فرهنگی و اقتصادی در شأن یکدیگر نیستیم اما من و سپروس که دلباخته یکدیگر بودیم بر این ازدواج پافشاری کردیم و بالاخره خانواده او رضایت دادند. این گونه من پای سفره عقد نشستم و مراسم عقد کنار گزار شد اما من که شاگرد ممتازی بودم خیلی دوست داشتم ادامه تحصیل بدهم ولی به خاطر این که نام سپروس در شناسنامه ام ثبت شده بود، در مدارس خاصی می‌توانستم درس بخوانم. در این شرایط نامزدم اجازه نمی‌داد تا در مدارس محل سکونت خودمان ثبت نام کنم چرا که خانواده اش معتقد بودند من نباید دیگر در آن منطقه به مدرسه بروم. خلاصه اختلافات ما در همین باره و در حالی آغاز شد که سپروس هم تر کم تحصیل کرده بود و قصد نداشت خدمت سربازی اش را انجام بدهد ولی من اصرار می‌کردم که او باید گواهی‌نامه رانندگی بگیرد و خدمت سربازی اش را به پایان برساند. با این خواسته‌های من اختلافات بین ما شدت گرفت تا حدی که چند بار مرا کتک زد اما من موضوع کتک کاری‌های او را از خانواده ام پنهان می‌کردم چرا که خودم به از دواج با سپروس اصرار داشتم و حالا در حالی که فقط سه ماه از دوران نامزدی ما گذشته است دیگر از آن حرف‌های عاشقانه و دوست داشتنی‌های واهی در فضای مجازی هیچ خبری نیست. رفتار همسرم به کلی تغییر کرده‌او به‌رهانه کم‌اهمیتی مرا زیر مشت و لگد می‌گیرد تا این که آخرین بار مقابل منزل پدرم مرا کتک زد که با سر و صدای من خانواده ام بیرون آمدند و متوجه اختلافات شدید بین ما شدند. دیگر چاره‌ای نداشتم جز آن که به قانون پناه بیاورم و...

گزارش خراسان حاکی است، بررسی کارشناسی این پرونده به دستور سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) به مشاوران زیده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

این مقام ارشد انتظامی کرمان

خاطر نشان کرد: در یک سال اخیر بیش از یک میلیون و ۹۰۰ هزار تماس با سامانه ۱۱۰ پلیس گرفته شده که از این تعداد ۳۸ درصد از تماس‌ها عملیاتی شده است.

خودروی سرقتی و نیز سه هزار و ۱۶۹ موتورسیکلت سرقتی کشف شده‌است. جانشین فرا‌جای استان کرمان افزود: نیروی انتظامی استان کرمان ۶۱۰ شهید و ۱۲۹۶ جانباز را در راه تأمین نظم و امنیت تقدیم انقلاب کرده‌است.

استان کرمان بیان کرد: کشفیات مواد مخدر امسال در مقایسه با سال گذشته دو برابر شده‌است که کرمان در کشور رتبه دوم‌ارادر.

سرهنگ روانبخش ادامه داد: طی یک سال گذشته هزار و ۶۰۰ دستگاه

دختر جوان خواستگار متجاوز را به خاطر مادرش بخشید

نشستیم و چند دقیقه‌ای با هم صحبت کردیم. بار دوم در خودرو بودیم که به من حمله کرد و مرا هدف آزار و اذیت قرار داد. من هم در همان لحظه تصمیم گرفتم شکایت کنم.

توانستی اثبات کنی که به تو تعرض شده‌است؟
لباس‌هایم و آقاری که روی بدنم بود، تایید شد، اما شهاب مدعی بود که من بارضایت خودم این کار را کرده‌ام در حالی که من به رضایت خودم این کار را نکرده بودم و این موضوع هم تایید شد؟

چه حکمی برای شهاب صادر شد؟

دادگاه ابتدا به او اعدام داد، اما بعد در دیوان عالی کشور نقض شد و قرار او بدو باره محاکمه شود که من شکایتم را پس گرفتم.

اگر واقعیت را می‌گویی، چرا شکایت را پس گرفتی؟

در دو سالی که پرونده را پیگیری می‌کردم، خیلی اذیت‌شدم. بعد هم مادر شهاب التماس کرد و دلم سوخت. البته شرط کردم که آن‌ها از این محل بروند و ما را راحت بگذارند. آن‌ها هم قبول کردند. قرار شد خسارت هم بدهند.

پس خسارت هم گرفتی؟

بله، پول گرفتم چون آینده‌ام تباه شده و من دیگر به سختی می‌توانم از دواج کنم. این پول را هم باید هزینه درمان روانم بکنم.

از این که رضایت دادی حس خوبی داری؟
فکر می‌کنم خودم به آرامش رسیدم. این دو سال مثل کابوس بر من گذشت. حالا قصد دارم روی زندگی‌ام تمرکز و خودم را درمان کنم.